

تبیین اراده الهی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

نام محقق : سمیه کمندی^۱

چکیده

اراده یکی از اوصاف خداوند متعال می باشد و به معنای این است که خداوند در افعال خود مقهور و مغلوب غیر نمی باشد . اراده از اوصافی است که محل نزاع بسیاری از علما بوده است . به طور تقریب اکثر علما بر مرید بودن الهی اتفاق نظر دارند آنچه که محل نزاع است ویژگی ها و چگونگی اتصاف خداوند به این صفت می باشد . آن چه در این نوشتار بدان پرداخته می شود دیدگاه عالم وفیلسوف بزرگوار آیت الله جوادی آملی درباره ی اراده الهی از بعد فلسفی و کلامی می باشد . که به روش کتابخانه ای جمع آوری شده است . از منظر این فیلسوف خداوند مرید است که دارای دونوع اراده تکوینی و تشریعی می باشد و اراده ی وی غیر از علمش می باشد و معتقد است این صفت از اوصاف فعلی خداوند بوده و حادث است . و همچنین مرید بودن الهی با استفاده از ادله نقلی و عقلی به اثبات رسیده است .

کلید واژه : اراده الهی ، اراده فعلی ، اراده حادث ، اراده تکوینی ، اراده تشریعی

^۱ . حوزه علمیه الهیه ، پایه چهارم

از آن جایی که یکی از وظایف مهم آدمی معرفت حق تعالی می باشد و با نظر به این مهم که ما را راهی برای شناخت ذات و کنه الهی نمی باشد لذا برای معرفت خالق باید از راه شناخت اوصاف وارد شد. یکی از اوصاف بسیار مهم که در خداشناسی انسان تأثیر بسزایی دارد، اراده می باشد. . در این نوشتار که توصیفی - تحلیلی است و با رویکردی کلامی - فلسفی، به تبیین این صفت از منظر فیلسوف بزرگوار آیت الله جوادی آملی می پردازیم. تا شاید بتوان از خلال نظرات مختلف، به نظر صحیح دست یافت.

تفسیر اراده الهی و چگونگی اتصاف باری تعالی بدان، از دیر باز محل نزاع اندیشمندان مختلف مسلمان بوده است. اکثر متکلمین مسلمان اعم از معتزله و اشاعره و امامیه با آن درگیر بوده و در غالب آثار و مکتوبات خود از آن بحث کرده اند. دامنه این بحث ها و مناقشات به خوبی در کتب کلامی متقدم همچون «مسأله فی الاراده» تألیف شیخ مفید یا «المخلص فی اصول الدین» تألیف سید مرتضی و در کتب کلامی متأخر همچون «کشف المراد» تألیف علامه حلی و در کتب دیگر قابل پیگیری است. همچنین این بحث از مباحث چالش برانگیز فلسفه می باشد که در میراث مکتوب فلسفه اسلامی همچون «الهیات شفا» ابن سینا و «اسفار» ملاصدرا به چشم می خورد. در زمان حاضر نیز کتاب هایی به طور اختصاصی در رابطه با اراده الهی به چاپ رسیده است که از جمله آنها «اراده خدا» تألیف علی الله بداشتی می باشد. اما در پژوهش های معاصر به تبیین دیدگاه یک فیلسوف معاصر در تمام ابعاد اراده کمتر پرداخته شده است. و آن چه که در این نوشتار حائز اهمیت است بیان دیدگاه نو و فیلسوفانه آیت الله جوادی آملی باتوجه به هم عصر بودن ایشان با این دوره می باشد.

در این نوشتار با مطالعه آثار آیت الله جوادی آملی ابتدا به تبیین مفهوم اراده پرداخته شده و برخی از ویژگی های اراده بیان و شرح گردیده است . سپس اقسام اراده همراه با ویژگی های هر قسم ذکر گشته و در نهایت با استعانت از ادله عقلی و نقلی مرید بودن الهی به اثبات رسیده است .

۱ . مفهوم اراده الهی

۱-۱- تعریف لغوی

اصل فعل از «رود» به معنی آمدن ، رفتن و مطمئن نبودن است و علمای لغت گفته اند : « ارده به معنای خواست و مشیت است و الف آن در اصل واو است . »^۱

همچنین به معنای طلب و خواستن آمده است . اراده به معنای قصد و هدف است .^۲

اراده به معنای امر و دستور است . «هو طلب مع الاختیار و الانتخاب»^۳

«الاراده علی المعناها الحقیقی المستتبع الفعل . »^۴

۲-۱ . تعریف اصطلاحی

فعل خداوند ارادی است و آن حضرت فاعل موجب (به کسر) است نه فاعل موجب . و اراده خداوند بر

محور حکمت است و هیچ گاه بی حکمت اراده نمی کند.^۵

^۱ . (ابن منظور، ۱۱۰۵، ص. ۷۲) و (خوارزمی، اساس البلاغه للزمخشری، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۵) و (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ص. ۲۵۷)

^۲ . (ابن منظور، ۱۱۰۵، ص. ۸۷)

^۳ . همان؛ ۱۸۸

^۴ . (اصفهانی، ۱۳۷۵، ص. ۲۰۷)

^۵ . (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۳۲۹)

^۶ . (الوسی، ۱۴۱۵، ص. ۲۷)

ویژگی بزرگ اراده و در حقیقت نتیجه آن اختیار فاعل است . وقتی می‌گوییم : « فلان کس اراده کرده

فلان کار را انجام دهد » ، معنایش این است که اختیار انجام و ترک آن را دارد و فاعل بی اراده ، فاعل بی

اختیار نیز می باشد . بنابر این اگر گفتیم خداوند دارای اراده است معنایش این است که خداوند فاعل مختاری

است که هیچ گونه اکراه و اجباری در افعال وی راه ندارد .

اکنون بحث در این است که باتوجه به بازگشت اسمای الهی به یکدیگر ، اسم مرید و صفت اراده به

کدام یک از اسماء و صفات برتر و کلی تر بر می‌گردد؟

یکم : نخستین راه حل برگرداندن اراده به نظام احسن و اصلح است . مرحوم بو علی سینا می‌فرماید : «

لیست الاراده مغایره الذات لعلمه و لا مغایره المفهوم لعلمه فقد بینا ان العلم الذی له بعینه هو الاراده التی له »

و مرحوم صدرا نیز می‌گوید : « بل الحق فی معنی کونه مریداً انه سبحانه و تعالی یعقل ذاته و یعقل نظام

الخیر الموجود فی الكل من ذاته و انه کیف یکون » .

آن گاه برای نفی استبعاد سببیت علم ازلی برای وجود کائنات ، مثال‌های زیر را مطرح کرده است :

۱- غلبه توهم سقوط بر کسی که بر لبه دیواری راه می‌رود ، موجب سقوط می‌شود .

۲- همت برخی نفوس منشاء اثر است .

۳- تأثیر چشم شور که با تجربه و اخبار مخبر صادق ، ثابت شده است .

لیکن با صرف نظر از صحت و سقم مثال‌های صدر المتألهین ، اشکال این راه حل این است

که اولاً علم و اراده دو مفهوم جدا از هم و غیر مترادف هستند ، اگر چه مصداقاً یکی است . و ثانیاً در

^۱ . (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۶)

نصوص دینی نیز از علم و مشیت به عنوان دو صفت جداگانه یاد شده است ؛ مثلاً بکیر بن اعین از امام

صادق علیه السلام پرسید : علم الله و مشیتہ مختلفان أو متفقان ؟ فقال علیه السلام : « العلم ليس هو

مشیتہ الا ترى انک تقول : سافعل کذا ان شاء الله و لا تقول سافعل ان علم اله . فقولک ان شاء الله دليل

على انه لم يشاء فلاشاء كان الذى شاء كما شاء وعلم الله سابق المشیتہ » .^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید : « علم همان مشیت نیست چون کسی می خواهد کاری

بکند نمی گوید اگر خدا علم پیدا کند بلکه می گوید اگر خدا بخواهد » .

امام رضا علیه السلام درباره ی اینکه اراده خداوند چیزی غیر از علم اوست و اراده عین علم

نیست ، هنگامی که سلیمان می گوید : اراده خدای متعال عین علم اوست ؟ حضرت رضا می فرمایند :

« ای جاهل ، ابتدا خداوند به چیزی علم دارد و پس از آن وجود آن را اراده می کند . پس از آن جا

که خداوند به اشیاء آگاه است ، چه آنها را اراده کرده باشد یا نه ، باید چنین حکم کرد که اراده او

عین علم نیست » .^۲

دوم : گروهی دیگر اراده را به ابتهاج بر گردانده اند : بدین بیان :

الف . ذات اقدس الهی که امکان و عدم در وی راه ندارد ، همه کمالات را داراست .

ب . ذات اقدس خدا در مرحله ذات بیش از هر موجودی از کمالات رضامند است . (و) به

تعبیر ما از کمال خوشش می آید و از آن لذت می برد) و چون بیش از هر موجودی از کمالات خود

آگاهی دارد ، بیش از هر موجودی به خود ابتهاج و رضا دارد و از ذات خود لذت می برد .

ج . آشکار شدن کمالات و معرفت یافتن دیگران به آن ها محبوب ذات خداست .

^۱ . (کلینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹)

^۲ . (جوادی آملی، فلسفه الهی از منظر امام رضا، ۱۳۸۸، ص. ۳۲)

امثال آن ، و آن چه را نهی کرده راهی قرار داده باشد برای ترک آن ، و توان امثال واجب و ترک آن

را ندارند جز به اذن خدا . « تاکید به اذن خداوند برای اثبات اراده ی حق است .^۱

درباره ی سفارش به دعا امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) می فرماید :

«واعلم ان الذی بیده خزائن السموات و الارض....» منظور از خزانه آسمان ها و زمین همان اراده الهی

است نه این که گوشه ای از آسمان ها و زمین انبار خداست .^۲

به تعبیر لطیف امام سجاد (علیه السلام) اشیاء طبق اراده تو تحقق یافته است و همه چیز تحت

مشیت تو پیش از آن که چیزی بگویی ، موجود می شود و چون نسبت به چیزی کراحت داشته باشی

واقع نمی شود و نیاز به امر لفظی در اول و نهی لفظی در دوم نیست .^۳ امام سجاد (علیه السلام) به

وضوح به مرید بودن خداوند اشاره می کند.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید : «خداوند وجود هرچه را اراده کند می

گوید باش پس بی درنگ موجود می شود گفتن کلمه «کن» نه صوتی است که در گوش ها نشیند

و نه فریادی است که شنیده شود ، بلکه کلام او همان فعل او ست که ایجاد می کند و پیش از آن

موجود نبود و اگر از قدیم موجود بود خدای دومی نیز وجود داشت .» کلام حضرت علی (علیه

السلام) علاوه بر اثبات اراده خداوند به حادث بودن اراده نیز تاکید می دارد .^۴

دربارهی ازفصول دعای جوشن کبیر ، همه ی آنچه که در موارد دیگر به غیر خدا نسبت داده

شده ، منحصرأً برای خدا ثابت شده ، مانند «یا من لا یدبر الامر الا هو ...» البته مصدر توحیدی همه

^۱ . (همان ، توحید در قرآن ؛ ۴۸۲)

^۲ . (همان ، تفسیر تسنیم ، ۱۳۷۸ ، ص. ۲۸۵)

^۳ . (صحیفه سجادیه ، دعای هفتم)

^۴ . (نهج البلاغه ، خطبه ۹۱)

^۵ . (جواد آملی ، توحید در قرآن ، ۱۳۸۳ ، ص. ۳۴۳)

این معارف قرآن است که به صورت روشن تمام امور را ناشی از اراده الهی می داند . بنابراین اسناد برخی از شئون عینی به انسان کامل یا از قبیل مظهریت وی برای خداست یا از باب اسناد فعل به فاعل به معنای (مابه) یعنی وسیله و ابزار .^۱

و در پایان اشاره می کنیم به دعایی از نبی مکرم (صل الله علیه) که به دختر خود فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آموخته است : «یا من فعله قول و قوله امر» طبق این روایت امر خداوند همان اراده است .^۲

نتیجه گیری

مرید بودن خداوند مورد اتفاق اکثر علما می باشد و این یعنی در اعمال حاکمیت خداوند هیچ گونه اکراه و اجباری راه ندارد و مغلوب غیر نخواهد شد .

آیت الله جوادی آملی مبنی بر سخن امام رضا (علیه السلام) که علم به اشیاء را قبل از اراده آن ها می دانند اراده الهی را غیر از علم ایشان می دانند و معتقدند که اراده همان ابتهاج ذاتی الهی است که ابتهاج فعلی را به دنبال دارد ، بنابراین اراده همان رضایت خداوند می باشد .

اراده از اوصاف فعل خداوند است چرا که اراده گاهی هست و گاهی نیست و اگر از اوصاف ذات باشد مستلزم این خواهد بود که ذات الهی گاهی باشد و گاهی نباشد . و از آن جایی که چنین فرضی محال است پس اراده از اوصاف ذات نمی باشد .

^۱ . (همان ، ص. ۵۰۲)

^۲ . (مجلسی، ۱۴۰۳، ص. ۱۸۲)

^۳ . (جوادی آملی ، ادب فنای مقربان ، ج ۵ ، ص. ۲۱۷)

قدیم و ازلی بودن اراده حاکی از قدیم بودن مراد آن است لذا اگر اراده صفتی ازلی باشد لازمه اش وجود موجود قدیم دیگری (واجب الوجود دیگر) می باشد و باتوجه به ممتنع بودن فرض مورد اشاره ، حادث بودن اراده ثابت می شود .

اراده الهی دارای دو قسم تکوینی و تشریعی می باشد ، که قسم اول تخلف ناپذیر بوده و به محض اراده الهی مراد وی محقق می شود . مانند خلق و آفرینش موجودات . اما قسم دوم از آن جایی که شامل بیان احکام و تکالیف بندگان می باشد و اراده انسان بین اراده الهی و تحقق مراد فاصله است ، تخلف پذیر می باشد . لذا اطاعت بنده موجب تحقق مراد الهی و عصیانش باعث تخلف خواهد شد .

در پایان با استفاده از ادله عقلی که آیت الله جوادی عاملی بدان اشاره کرده اند و همچنین با اشاره به آیات و روایات صفت اراده برای خداوند به اثبات رسید .

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجاده

۱ . آلوسی، م. ب. (۱۴۱۵). روح المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲ . بن منظور، ج. ا. (۱۱۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.

۳ . اصفهانی، ر. (۱۳۷۵). مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی.

۴ . جوادی آملی، ع. (۱۳۷۷). ادب فنای مقربان. قم: اسراء.

۵. جوادى آملی، ع. (۱۳۷۸). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
۶. جوادى آملی، ع. (۱۳۸۳). *توحید در قرآن*. (ح. ع. ایوبی، مترجم) قم: اسراء.
۷. جوادى آملی، ع. (۱۳۸۱). *شمیم ولایت*. قم: اسراء.
۸. جوادى آملی، ع. (۱۳۸۸). *فلسفه الهی از منظر امام رضا*. (ز. کربلایی، مترجم) قم: اسراء.
۹. جوادى آملی، ع. (۱۳۹۷). *قرآن در قرآن*. قم: اسراء.
۱۰. جوادى آملی، ع. (۱۳۸۵). *نسیم/ندیشه*. قم: اسراء.
۱۱. جوادى آملی، ع. (۱۳۸۱). *وحی و نبوت*. قم: اسراء.
۱۲. خوارزمی، ج. ا. (۱۳۹۹). *اساس البلاغه للزمخشري*. لبنان: دارالصادر.
۱۳. صدوق، م. ع. (۱۴۱۶). *توحید صدوق*. (ع. ا. میرزایی، مترجم) قم: اسراء.
۱۴. فیروز آبادی، م. ی. (۱۴۱۵). *القاموس*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. کلینی، م. ی. (۱۳۹۰). *اصول کافی*. (ح. ا. ولی، مترجم) تهران: دارالتقلین.
۱۶. مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

